Archive of SID

نگره
فصلنامه علمی- پژوهشی

مطالعه فرهنگ تجسمی و زیبایی شناختی جام ارجان

بهرخ تفرج نوروز *دکتر حبیب الله آیت اللهی **

تاریخ دریافت مقاله : ۸۸/۵/۱
تاریخ پذیرش مقاله : ۸۹/۶/۱

چکیده
مطالعاتی که تا کنون بر روی جام ارجان صورت گرفته این جام را از جنبه های باستان شناسی،تاریخی و شـــمایل نگارانه مورد توجه قرار داده اند. این پژوهش از منظر زیبایی شناســـانه جنبه های آرمانی و همچنین فرهنگ تجسمی به تصویر در آمده بر روی جام ارجان مورد بررسی و تحلیل قرار داده است . منظور از فرهنگ تجســـمی، بازنمایی حادثه و درک معانی نهفته در نگاره ها و نقش مایه های موجود بر روی جام ارجان است. ساختار تصاویر نقش بسته بر جام، مجموعه روایات متوالی را در بر دارد که در بســـتری آرمانی و نمادین سازمان داده شده اند. این مطابقت و تشابه بین محتوا و ساختار از همان ابتدا خود را در جام به صورت پنج ردیف و گل رزتی جداگانه و نوارهای قیطانی در هم پیچیده نشان می دهد. شکلی از یک جهان کوچک مینیاتوری که در آن ۱۱۲ پیکر انسانی ،٦٦ حیوان از ۳۳ گونه متفاوت و انواع درختان و اشیاء متفاوت به دقت توزیع شده است .این تزیینات به شیوه روایی به سبک نو ایلامی است . این مقاله به روش توصیفی تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی
جام ارجان، فرهنگ تجسمی، نقشمایه های آرمانی، موزه ایران باستان.

* کارشناس ارشدپژوهش هنر دانشکده هنر شاهد ،شهر تهران، استان تهران Email:behrokh_tn@yahoo.com
** دانشیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران،استان تهران Email:habibb_ayat@yahoo.fr

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

در سال ۱۳۶۰ در روستای ارجان از توابع بهبهان (شهری در جنوب ایران) جامی مفرغی با قطر دهانه ۴۳/۵ سانتی متر و ارتفاع۹/۵ سانتی متر در مقبره ای مستطیل شکل ،ساخته شده از سنگ و تخته سنگ ها یافت شد.(تصویر۱)اشیاء و اقلام مجلل درون مقبره اشاره بر برخورداری ساکن این مقبره از طبقه و وضع اجتماعی بالای او دارد[۱].درجام پنج ردیف متحد المرکز نشان داده شده که اطراف گل رزتی ۱۶ پر قرار گرفته ،با نوشته ای به خط ایلامی، که ترجمه آن «کیدین هوتران پسر کورلوش » می باشد.اگر چه سه پادشاه در دوره نو ایلامی II (۱۴۰۰-۱۲۰۰پ.م)با نام کیدین هوتران شناخته شده اند اما این نام از دوره نو ایلامی(۱۰۰۰-۵۳۹) دیده نمی شود. یک لوح با نام شخصی «کورلوش» به عنوان تاجر لباس دربار ایلام و نیز یک مهر استوانه از دوره نو ایلامی در شوش پیدا شده که منسوب به «کورلوش»،«پدر پارسیرا»[۲]می باشد. «والات» زبان شناس ایلامی، این سه نام« کورلوش پدر کیدین هوتران»، «کورلوش تاجری از شوش» و «کورلوش» پدر «پارسیرا»[۲] را متعلق به یک نفر می داند که در فاصله زمانی ۶۴۶ تا ۵۲۵ پیش از میلاد می زیست.(vallat ،1984,3)

علیزاده،معتقد است خط نوشته شده بر روی جام ارجان مربوط به نیمه اول سده ۸ پیش از میلاد است(Alizadeh,1985,65)

مجید زاده تاریخ ساخت جام ارجان را تقریبا بین سال های ۶۲۵ تا۷۲۵ پ.م می دانند .(مجید زاده ،۱۳۶۷، ۴۱)

جان کرتیس نیز مانند مجید زاده تاریخ ساخت جام را دوره آشور بانیپال تخمین زده است (curtis,1995,627) اظهارات محققین تاریخ ساخت جام ارجان محدوده زمانی وسیعی نزدیک به ۲۷۵ سال (۸۰۰ تا ۵۲۵پیش از میلاد)را در بر می گیرد.(مجید زاده ،۱۳۶۷، ۱۳۷)

تحلیل موضوعی جام ارجان

ساختار تصاویر کشیده شده در جام ، یک سری روایت متوالی را در بر دارد که در بستری ایدئولوژیکی ، سازمان داده شده اند.(تصویر ۲)

این مطابقت و تشابه بین محتوا و ساختار از همان ابتدا خود را در جام به صورت پنج ردیف، گل رزت (گلچه) جداگانه ای که با آن ها متحد المرکز است و نوارهایی قیطانی شکل در هم پیچیده میانشان نشان می دهد .

فرمی از یک جهان کوچک مینیاتوری که در آن ۱۱۲ پیکر انسانی، ۶۶ حیوان از ۳۳ گونه مختلف،و انواع درختان و اشیاء متفاوت به دقت توزیع و ترسیم شده است[۳]. دقت و توجه بیش از اندازه برای گردآوری این تزیینات به شیوه ای روایی، درون یک قالب و روش نو ایلامی بسیار حایز اهمیت است . (Markoe,1985,1)

الف- بیرونی ترین ردیف جام (یعنی ردیف پنجم)دو روایت را به تصویر کشیده است :

تصویر ۱-جام ارجان،موزه ایران باستان،ماخذ: نگارنده

۱ : جشن باده نوشی
۲ : جشن بازگشت از شکار
این دو صحنه توسط دو رشته کوه از هم جدا شده اند.

۱- جشن باده نوشی

در مرکز تصویرشاهی بر تخت پادشاهی نشسته و از جامی که در دستش قرار دارد ،می نوشد .در پشت سرش، دو ملازم بی ریش و دو شخص کوچک را درون یک خیمه مشاهده می کنیم. روبه روی پادشاه نیز هفت مرد ریش دار که لباس ملازمان به تن دارند دو به دو ایستاده ودر پشت میزهایی قرار گرفته اند و در حال پذیرایی هستند. دورتر از پادشاه دو مرد بر پشت چهارپایه ای با دو خم بزرگ و دو ریتون ایستاده اند .یکی از آن ها یک ظرف و دیگری ریتونی در دست دارند.به جز دو مرد کوچک درون خیمه ها، تمام افراد کلاهی با بر آمدگی دکمه مانند بر سر دارند،این لبه برآمده ،دست کم از دوره ایلام میانی[۴] رواج داشته است .بر آمدگی کلاه تا دوره «شاکال ما»(Shukkalma)[۵] از خصوصیات کلاه های ایلامی است. (تصویر ۳)

۲- جشن بازگشت از شکار

پادشاهی همراه با چیزی شبیه به بچه یا حیوانی کوچک ،درون ارابه ای چهارگوش همراه با ارابه ران تصویر شده اند.ارابه پشت سر هفت ملازم که ردایی تشریفاتی بر تن دارند و جامه شان تا قوزک پا آمده قرار دارد. هر یک از آن ها حیوانی را بر شانه هایشان حمل می کنند.

پشت ارابه ،مردی که او نیز به همین شکل لباس پوشیده دیده می شود در حالی که گل لوتوسی را در جلوی خود گرفته و حیوانی شبیه به گور خر را به وسیله طناب می کشد . تمام افراد، کلاهی از نوع ایلامی بر سر دارند.

حیوانات رسم شده در این قسمت شامل سه بز کوهی نر، (قابل ذکر است که هر حلقه روی شاخ این حیوان نمایانگر یک سال عمر جانور است و کشیدن آن ها عمدتا

۱- نزدیکی استخوان های قرار گرفته در تابوت ۹۸ حلقه طلا که بر روی ردای مرده دوخته شده ،یک عصای نقره، یک شمشیر آهنی یک دسته شمشیر عاج نشان به همراه ورق نقره، تزیینات طلا و عقیق در سمت چپ اسکلت؛به همراه منسوجات که به دور جمجمه پیچیده شده است به دست آمده است..اشیاء یافت شده در خارج از تابوت شامل ۱۰ گلدان استوانه ای ،یک کوزه ،یک سه پایه، یک چراغ که همه روکش برنز شده اند-یک کوزه ساخته شده از نقره، به همراه جام ارجان در مقبره یافت شده است.

۲- منشا نام «پارسیرا» به معنی «پارسی» در ابتدا در نوشته های ایلامی دیده شده است .

۳-طراحی جام ارجان توسط ر. وطن دوست و طراحی هرکدام از نوارها توسط.مجیدزاده صورت گرفته است.

۴-این نوع کلاه نوک تیز در یک لوح سنگی متعلق به دوره ایلام میانی دیده شده که مربوط به اونتاش ناپیریشا می باشد .همچنین بر روی) یک نقش برجسته در مالمیر(ایذه) متعلق به دوره شوترک نهونته نیز دیده شده است (۸ پیش از میلاد) (Amiet,1966,552)

۵- برای دوره شاکالما نگاه کنید به آمیه ۱۹۶۶:۳۰۹ ،برای دوره نو ایلامی نگاه کنید به آمیه ۱۹۶۶،۳۱

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۲:تصویر خطی از جام،موزه ایران باستان

برای تأکید بر بلوغ و رشد جانور است).

یک بزغاله که طوقی بر گردن دارد (می توان آن را از روی دم و غبغبش شناخت) ماده شیری که ریسمانی به گردنش بسته شده، یک روباه ، ویک گرگ و یا شغال ودو اسبی که ارابه را می کشند دیگر حیوانات تصویر شده هستند .سر تمام حیوانات توسط ملازمانی که ان بره ها را بر دوش دارند ،نگه داشته شده است . (تصویر ٤)

تفسیر ردیف پنج

تصاویر موجود در ردیف پنجم با نقش برجسته های آشوری همانندی و مطابقت دارد. (Harrington,F 1977, 37)(تصویر ٥)

اگر چه تصاویر ریشه آشوری دارند با این حال از جنبه های شمایل نگارانه نیز قابل تاویل هستند . در آغاز به مکانی که این حادثه در آن رخ داده اشاره می شود . ردیف پنجم شامل دو تصویر مجزا است که از نظر روایی به هم وابسته هستند .جشن باده نوشی و بازگشت از شکار ،این دو مجموعه توسط دو رشته کوه از هم جدا شده و بیان گر این موضوع است که حوادث ردیف پنجم در زمین های پر تپه همسایه و همجوار آن اتفاق افتاده و این مساله به شیوه کاملا هنرمندانه با ترسیم در قسمت بیرون و لبه جام عملی شده است « این عمل سنتی است از خاور نزدیک، در نقشه بابلی(نقشه دنیا) که تاریخ آن به حدود سده نهم پیش از میلاد باز می گردد، دو جفت کوه درآخرین حد دنیا که جایگاه بزهای کوهی ،شیرها ، گرگ ها ،و دیگر حیوانات وحشی است و عفریت ها در آن تجمع دارند توصیف شده است (Horowitz,1988,50)

قرار دادن تصویر شکار حیوانات و اهلی کردن آن ها در محلی که این دو کوه قرار دارند ،یعنی آخرین حد و مرز دنیا . در کنار جشن باده نوشی و نیز قرار گرفتن تمام این تصاویر در لبه ظرف دلالت بر تسلط و رام کردن تمام موجودات و پیروزی بر آنان تا آخرین سرحدات و مرزهای زمین دارد.(Green ,1994,23)

درمناطقی از جهان باستان و در خاور نزدیک نوشته هایی (Macdonald,1955,1355-1369) از پادشاهی باستان در جنوب عربستان ،حرم و ... یافت شده که گواه بر انجام شکار آیینی در فصل معین و انجام شعایر مذهبی سخت از قرن ششم پیش از میلاد است .(Beeston,1972,183) بنابراین انجام ندادن این اعمال در فصل معین و طبق اصول خاص ،موجب خشم و غضب الهی می شد و مجازات و عذاب به همراه داشت .موفقیت در شکار آیینی مشروط به رعایت اصول و پرهیز از انجام بعضی اعمال مانند روابط جنسی ،خوردن غذا و نریختن خون حیوانات در روزهای حرام بود. این روزها به «روزهای استدعا و تضرع» معروف بود .اگر همه این اعمال به درستی انجام می گرفت خدایان پاداش خود را به صورت وفور نعمت به آنان اعطا می کردند . برای یک شکار بیست روزه که در «وادی» انجام می شد پادشاه به همراه یک گروه شامل ۲۰۰ سرباز ،۱۰۰ شکارچی، ۲۰۰ سگ ،برای شکار ٤ یوزپلنگ ۲ پلنگ و ٦۰۰ بز کوهی آماده می شدند. نقش برجسته ها و متون نو آشوری گواه بر شکار وسیع برای به اسارت گرفتن حیوانات زنده است .«آداد نیناری دوم »(Adad – Ninari II) ،خاطر نشان می کند که هشت گاو نر وحشی ،هشت شتر مرغ را زنده به اسارت گرفته است.همچنین در این متون و نقش برجسته ها بر محلی که شکار در آن اجرا می شده تاکید شده است .(Lion,1992,363) «من با دستانم ۱۵ شیر قدرتمند را از کوه ها و جنگل ها اسیر کردم » این گفته آشور نصیر پال دوم (Assurnasirpal II) است . او می گوید :«من از کوه ها و جنگل ها ۵۰ گاو نر وحشی را گرفتم ،۲۰ فیل را شکست دادم ،۱٤۰ شترمرغ زنده را به اسارت گرفتم و ۲۰ شیر قوی را کشتم ».(تصویر۵)طبق متون یافت شده در جنوب عربستان ،شکار در زمان معینی که از طرف خدایان تعیین شده بود اجرا می شد.شکار ،برای پادشاهان و طبقه اشراف آشور، نوعی ورزش درباری به شمار می آمد .این اعمال کارکردی دو گانه داشت و اهداف زیر را بر آورده می کرد :

۱- جمع آوری حیوانات عجیب و بیگانه برای دادن هدیه و پیشکش و یا به عنوان خراج به دیگران

۲- توسعه دامگاه شاه مانند دام گاه مشهور «آشور بانیپال دوم» وهمچنین تاکیدی بر نقش آرمانی شاه به عنوان شکارکننده آن ها که در زیر حمایت خدایان ، پس از عبور از کوه ها و جنگلها موفق به رام و اهلی کردن نیروهای وحشی طبیعت شده است.

به طورمثال نقش برجسته ای آشوری این صحنه را این گونه توصیف می کنند:« من آشور بانیپال، شاه آشور، شاه جهان، آن کسی که ایستار(Assur) قدرت و سرافرازی

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر ۳- - قسمتی از طرح خطی ردیف۵ ،ماخذ: Alvarez-mon، 2003

به او اعطا کرده است، من شیرها را کشتم.من کمان ژیان «اشتار» بانوی جنگ، را بر فراز سرشان نگاه داشتم، من پیشکشی به آنان تقدیم داشتم. من شراب را به خدایان تقدیم کردم. (Russell,1999,20)

همراهی خدایان به عنوان حامیان شاه، در برتری و پیروزی آن ها بر دشمنانشان که در قالب حیوانات وحشی و یا انسان ها ظاهر می شدند ،نقش مهمی ایفا می کردند . در مورد ملازمانی که حیوانی بالغ با طوقی به گردن را بر دوش دارند و دم بعضی از آن ها بر خلاف عادت یک حیوان واقعی زنده اسیر شده بالا گرفته شده ،بر قدرت بسیار و عمل قهرمانانه آنان و همچنین نقش مرکزی و اصلی شاه به عنوان جانشین خدا و رام کننده وحوش ، دشمنان و رام کننده آنان تأکید دارد. همچنین گل لوتوسی که توسط فردی پشت ارابه پادشاه حمل می شود ،تأ کیدی است بر جنبه آیینی و مقدس حوادثی که به تصویر کشیده شده است . (Lipinski,1995,425)[1]

ب - ردیف چهارم:

ردیف چهارم ترکیبی از چند صحنه پیچیده در جام ارجان است.به گفته مجید زاده این ردیف، به بازنمایی یک جنگ و کشمکش و چهارصحنه از زندگی روزمره تقسیم شده است.

۱- ماهیگیری در برکه. ۲- پایکوبی. ۳- برداشت خرما. ٤- مردی ایستاده بین دو درخت نخل.(مجیدزاده ،۱۳٦۸، ۳۳) طبق نظر خاویر الوارز- مون ردیف چهارم دو روایت اصلی را در بر دارد نخست جنگ ساختگی (تصویر ۵) و دیگری برداشت خرما و ماهیگیری در مانداب (Alvarez-mon ۲۰۰۳،۱۵)(تصویر ٦)هر دو صحنه در نزدیکی استحکامات شهر رخ داده است .

روایت تصویر ۶

صحنه مانور جنگی (جنگ ساختگی) تقریبا نصف ردیف چهارم را گرفته است. در سمت راست استحکامات ، قایق باری دیده می شود که توسط چهار نفر کشیده می شود. در کنار قایق یک ارابه ایلامی تصویر شده است که ٦ پره در چرخ هایش دارد. این ارابه حامل سه سرنشین است که دو نفر از آن ها کلاه ایلامی پوشیده اند. (مجیدزاده ، ۱۳٦۸، ۱۳۸)

مـــردی کـــــه گرزی به دست دارد (نماد قدرت و پیروزی آشـــــــوری) در پشت ارابه در حال دویدن است.(Reade,1972,102)

تصویر٤ -قسمتی ازطرح خطی ردیف۵ ماخذ:Alvarez-mon،2003

در جلوی استحکامات ،شاه با لباس بلند بر صندلی ای نشسته استرباز و اسیران قرار دارند . به جز پادشاه تمام مردان دامن کوتاه مردانه به پا دارند که از خصوصیات ارتش آشوری است(Reade,1972,102)

تفسیرردیف چهارم:

بنا به تفسیر مجید زاده ،استحکامات شهر از سمت راست زیر تاخت و تاز سربازان سواره و پیاده و نیروی دریایی قرارگرفته است. در نقش برجسته های آشوری از زمان آشور بانیپال دوم و با اختلاف اندکی در سراسر دوره نو آشوری صحنه هایی که موضوع آن ها شهری را که مورد تاخت و تاز قرار داده ،فراوان دیده می شود . (Gunter،۱۰۷،۱۹۸۲) و در این نقش برجسته ها ، به وضوح خشونت و میزان تخریب نشان داده شده است.در مقایسه با نقش برجسته های آشور ، اشاره ای به ویرانی شهر و یا زمین های اطراف نمی توان دید.

در میان صحنه برداشت خرما و ماهیگیری در مانداب، دو مرد که دست هم را گرفته و با دست دیگر یک پای خود را نگه داشته اند تصویر شده است . این گونه نامتعارف نگه داشتن تعادل به «رقص الخترون» معروف بوده و نمایشی از یک مسابقه یا بازی تعادل است که یکی از این دو شخص با زدن ضربه به دیگری سعی در برهم زدن تعادل وی می کند. این بازی امروزه هم در بین سکنه جنوب عراق متداول است.

کریمی در این مورد می نویسد :«دو نفر سالار ،شرکت کنندگان را به دو دسته تقسیم می کنند.برای تعیین گروه برنده دو نفر از کوچک ترها (از هر گروه یک نفر) یک پای خود را از زانو به پشت خم می کند و با دست دیگر آن پای خود را به همان حال نگه می دارد و یک پایی به هم حمله می کنند این جدال آن قدر ادامه می یابد تا یکی از آن ها تعادل خود را از

تصویر ۵ -نقش برجسته آشوری، ماخذ: Alvarez-mon، 2003

۱- در متون آشوری گل لوتوس نشان و سمبلی از ابدیت ،باززایی و نـــــامیرایی است. این نشان در نقش برجسته ها در دست یک مقام عالی رتبه قرار دارد و تأ کیدی است بر اهمیت این مراسم ،این گل ارزش سمبلیکی قدرتمندی دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر ٦-قسمتی از طرح خطی ردیف چهارم ،ماخذ Alvarez-mon، 2003

دست داده و به زمین بخورد و در نتیجه دسته او بـازنده می شود. در بین النهرین باستان ،آیین رقص های مذهبی بر روی مهرهای استوانه ای متعددی از دوره بابل کهن نشان داده شده است. (Kilmer,1985,2611).

رقص های آیینی در قالب تمرین های مذهبی و باورهای دینی انجام می گرفت (Touny ,1969,77) در اکثر موارد این رقص در جشن باروری و حاصلخیزی ایشتار ،الهه باروری و جنگ، انجام می شد . این رقص ها با مراسم مانورهای جنگی آمیخته می شد و بومرنگی نیز پرتـــاب می شد (روش باستانی برای شکار پرندگان)

روایت تصویر ۷

برداشت خرما و ماهیگیری در برکه، دو صحنه ای هستند که با جزییات زیاد در ردیف چهارم به تصویر کشیده شده است.در کنار مانداب پرندگان محلی دیـــده می شوند.که در میان آن ها می توان یک غاز، یک فلامینگو یا لک لک و یک حواصیل و پرندگانی که به خوبی قابل تشخیص نیستند را مشاهده کرد. تمام پرندگان از پرندگان مهاجر مرداب های کم آب خوزستان هستند.در کنار مرداب مردی تور خود را گسترده؛ در حالی که مرد دیگری که صیدش تمام شده تور خود را جمع می کند.

پشت او حیوانی شبیه به سگ روی زمین دراز کشیده، در سمت چپ صحنه ماهیگیری ، دو حیوان از سمت نی زار پدیدار می شوند یکی از آن ها طوقی بر گردن دارد و بسیار شبیه به حیوان کوچک درون ارابه در روایت ردیف پنج است. در سمت راست برکه، تصویر برداشت خرما را می بینیم که با صحنه مانور منطبق است.

از درخت نخل پناهگاه، غذا، لباس، الوار، سوخت،مصالح ساختمانی، چوب،شکر،روغن و شراب به دست می آید.در بین النهرین ، درخت نخل درختی مقدس است که با باروری پیوند و همبستگی دارد.(Hole,1969,181)

در روایت تصویر ۷ برداشت فصلی خرما نشان داده شده ؛ مردی بالای درخت نخل است و در پایین ،همسر و فرزندانش در حال جمع آوری خرما های ریخته شده روی زمین هستند.در سمت راست دو حیوان شبیه سگ (یا میمون)(Durham,1985,245)در پایین درخت نخل ،سعی در گرفتن فردی دارندکه بالای دو درخت نخل ایستاده و دستانش را بالا برده است.

تفسیر ردیف چهارم:

برداشت محصول از طبیعت و مانور جنگی در ردیف چهارم ،ادامه منطقی تصاویر ردیف پنج هستند.بعد از بازگشت از شکار ، قبل از ورود به شهر ،شاه یک سری مراسم آیینی را اجرا می کند.اجرای این مراسم در خارج از شهر انجام می گرفت .بین سرحدات کشور وهمسایگان .به عبارت دیگر بین هرج و مرج و آشفتگی و نظم. به عبارت دیگر میان بی قانونی طبیعت ونظم بشری.

این ردیف انجام جشن و سروری است(در حالت آرمانی و خیالی) برای سپاس گذاری، وفور نعمت و توانگری جهان طبیعت که پیامد اجرای صحیح آیین ها و احترام به تابو هاست. بخشش سخاوتمندانه طبیعت که در شکل برداشت محصولات(ماهی و خرما) نمایان است.

ردیف دوم و سوم:

در ردیف پنج محل وقوع روایت جایی نزدیک کوهستان است. در ردیف چهار در حاشیه شهر و در ردیف دو و سه داخل شهر می باشد. .شهر مکانی است که قابل کنترل، اداره کردن ، منظم و متمدن است .

در این صحنه دو رویداد غیر مذهبی ویا به عبارتی اجتماعی -اقتصادی بر گزار می شود.

- صف خراجگذاران(تصویر ۸)
- جشنواره موسیقی(تصویر ۹)

قصر پادشاهی،به عنوان یک حوزه مرکزی در نقل و انتقال کالاها و خدمات درون یک سیستم گردشی بوده همچنین و تمام افراد زیر فرمان پادشاه قرار دارند .

ج :روایت سه ،صف خراجگذاران:

پادشاه بر تخت شاهی که با دو دسته مخروطی شکل تزیین شده تکیه زده است .او کلاه ایلامی ها بر سر و یک ردای تشریفاتی مشابه ردای آشوریان به تن دارد.(Curtis ,1996,123)دست راستش روی بدن و بر لبه لباس تکیه دارد .در دست چپ شاه احتمالا شاخه گلی قرار دارد.

فردی که شمایلش به شاهزاده می ماند و ردای بلند

تصویر۷-قسمتی از طرح خطی ردیف چهارم ،ماخذ همان

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر ۸- قسمتی از طرح خطی ردیف سوم ، ماخذ: Alvarez-mon، 2003

تشریفاتی بر تن و کلاه ایلامی بر سر و چوبی بلند(عصای سلطنتی) به دست دارد،پشت شاه ایستاده است.

پس از او سه مرد مسلح ایستاده اند که دامن کوتاه مردانه به پا دارند و چوب کوچک تری به دست گرفته اند . این افراد احتمالا سرکرده ممتاز قبایل محلی هستند.

در جلوی شاه یک ملازم سلطنتی در لباس آشوری قرار دارد. نزدیک وی مردی که دامن کوتاهی به پا دارد و در حالیکه دستش را جلوی دهانش گرفته بدنش را به نشانه تعظیم به جلو خم کرده و در کنار آن مرد بی ریشی (شبیه خواجگان) چوب کوتاهی در دست دارد و دست دیگرش را به سمت صف خراجگذاران بالا آورده است. (Kaptan,1996,259) (Root,1979,238) خراجگذاران هدیه های خود از جمله گونه های مختلف حیوانات نظیر چهار اسب با دم هایی بلند؛سه شیر، یک گوزن یا غزال، یک ببر یا پلنگ، پرندگان کوچکی درون قفس، یک پلنگ یا یوزپلنگ، چهار شتر مرغ، دوپرنده بزرگ شکاری، یک خرس دو ظرف محتوی چیزی که برای ما قابل تشخیص نیست ،را با خود حمل می کنند.

تفسیر ردیف سوم:

با بررسی نقش برجسته های ایرانی و آشوری، می توان دریافت حوزه و دامنه سلطنت یک پادشاهی با تعداد خراجگذاران آن مشخص می شود.دادن خراج به معنای به رسمیت شناختن پادشاهی محسوب می گردید و نپرداختن آن به نوعی اعلام شورش و اختلاف بود.این هدایا به معنای امروزی ارزش مادی نداشتند بلکه حامل اشارات نمادین مانند همبستگی، پیوند و دلالت بر تابعیت و پذیرش اعتبار مقام سلطنت،و گسترش اراضی مملکت بود. (Root, 1979,227) پذیرش هدایا تعهدی را برای گیرنده به وجود می آورد.و پیمان دوستی را برقرار می ساخت. منظور از پیمان، اتحاد بین دو گروه خراجگذار و خراج گیرنده بود و تقدیم کالا ها و خدمات به معنای بر حق بودن و به رسمیت شناختن مقام آرمانی و اعتبار پادشاهی بود.

د- ردیف دو

روایت تصویر شده در ردیف دو ، تضادی درامتیکی با صحنه رسمی صف خراجگذاران دارد.

تصاویر این ردیف پنجره ای به درون فضایی صمیمی ، سر زنده می گشاید و توجه ما را معطوف به تدارک و تهیه غذا از یک سو و نوازندگان وحرکات نمایشی از سوی دیگر می کند. فردی جام به دست از پشت به صندلی پادشاه نزدیک می شود و دو نفر هم روبه روی شاه ، روی زمین نشسته اند (یکی از آن ها احتمالا کلاه ایلامی بر سر دارد)

نوع آلات موسیقی آن ها در ردیف دوم نیز به این ترتیب است: شخصی که پیشاپیش گروه حرکت می کند به نواختن عود مشغول است . نفر دوم نی دو لوله ای ،نفرات سوم و چهارم چنگ مثلثی شکل ،نفر پنجم چنگ ذوزنقه ای شکل، نفر ششم دقک یا سنج و نفر هفتم پشت به این گروه دایره می نوازد و هشتمین نفر ظاهرا با ریتم موسیقی به دست زدن مشغول است .این شخص ، به اضافه نوازنده سنج و فردی که در برابر نوازنده اول پشتک زده به احتمال جزء گروه رقاصان اند.

تفسیر ردیف دوم و سوم:

به اشتراک گذاشتن سفره حاکم و نوشیدن افراد معمولی از جامی مشابه جام پادشاه ، دلالت بر سنت برادری،اخوت و سهیم شدن در تفریحات و خوردن غذاهای عالی دارد.

مطالعات نشان می دهد چنین مهمانی هایی عموماً نادر هستند .شاهان پارسی به تنهایی غذا می خوردند.اسناد و مدارک نشان می دهند نوایلامی ها هم به شیوه ای مشابه عمل می کردند ومهمانی سلطنتی و خراجگذاری بخشی از یک مجموعه اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی بود. سرکرده خراج گذاران با اهدای هدایا ضمن بیعت با پادشاه تابیعت خود را نیز به اثبات می رساندند.(تصویر ۵) سفرهپادشاه با بهترین کالاهای قلمروی شاهی (توسط تابعین و خراجگذاران) آراسته می شد.در مقابل آن ها در شمار گروه سلطنتی قرار می گرفتند و در خوان پادشاهی سهیم می شدند. فقدان شواهد تعیین کننده، سنت خراج دادن در ایلام ،مشابه آن چه در آشور و در دوره هخامنشان رایج بوده را مورد تردید قرار داده و مانع از اظهار نظر قطعی در مورد این صحنه در جام ارجان می شود.

درروایت تاج گذاری داریوش مشابه این صحنه را می توان دید ؛ و با وجود فردی ایستاده در پشت یا کنار تخت پادشاه می توان گفتاحتمالا این عمل در دوره نوایلامی نیز رایج بوده است. همچنین حالت احترام آمیز فرد ایستاده روبه روی شاه نیز مشابه نقش برجسته های هخامنشی می باشد. (Frye,R.N.1972,106)

ه -ردیف اول (تصویر ۱۰)

ردیف یک، شش جفت شیر و گاو را در حال دویدن

تصویر ۹-قسمتی از طرح خطی ردیف سوم ، ماخذ: همان

www.SID.ir

Archive of SID

فصلنامه علمی- پژوهشی

تصویر ۱۰- طرح خطی ردیف ۱۰

تصویر۱۱- طرح خطی مرکز جام

را به نمایش گذاشته است.این همبستگی بین شیر و گاو به اولین سلسله بین النهرین بر می گردد.قدرت و سرشت این دو حیوان، آن ها را به نشانه مورد علاقه برای بیان قدرت و محافظت در سراسر خاور نزدیک تبدیل کرده است.

تفسیرردیف یک:

به دلایل مذهبی و کارکردی ، فعالیت ها می بایست بر اساس گردش فصل ها که توسط خدایان برقرار شده بود، انجام می گرفت.توانایی کشف زبان آسمان، اولویتی ضروری برای زراعت، کشاورزی و پرورش دام در خاور نزدیک باستان بود.در فرهنگ خاور نزدیک بررسی پدیده های آسمانی به قاعده و نظم در آمده بود و می توان آن ها را که در شکل های مختلف پیشگویی مکتوب شده است را باز شناخت.(Rochberg, 1998)

در دوره سومری بابلی ها توانستند ۱۸ منطقه البروج (راه هایی که ماه و سیارات در میان آن جابه جا می شوند)را در صورت فلکی تشخیص دهند.(در حدود ۶۵۰ پ.م صورت فلکی قاعده مند شد و در طول ۱۲ ماه تقسیم شد.دویست سال بعد تعدادی از منطقهٔ البروج صورت فلکی حذف و به ۱۲ ماه کاهش یافت.

این نظریه که درگیری شیر و گاو به عنوان علامتی نجومی برای نشان یک نبرد کیهانی بین صورت فلکی برج ثور و اسد ، ارائه گردید و در ابتدای تقویم قمری آشوری ها علامت گذاری شده بود[۱](Rochberg,1990) که این نبرد کیهانی نشان اعتدال بهاری است. (زمانی که طول روز و شب با هم برابر می شود، و تقریباً مطابق با ۲۱ مارس است.)که با فصل برداشت و پشم چینی گوسفندان هم زمان است.تصویر پیروزی شیر ایستاده در بالاترین نقطه در آسمان(در صورت فلکی) در حالی که در تعقیب گاو گریزان است در واقع نمایش نهایت قدرت است.اگر چه در تفسیرنقش مایه شیرهای در حال تعقیب گاو که به دور یک رزت(گلچه) در جام ارجان می چرخند ،نمی توان چندان به این نظریه تکیه کرد.زمان اعتدال بهاری ، یک حادثه بسیار مهم در اجتماعات قبل از صنعتی شدن بود.در میان حیوانات افسانه ای که در نشان های خانوادگی ایلامی در شمال غرب ایران حکاکی شده، گاوها و شیرها را به وفور می توان دید . به اعتقاد پیر امیه این پیوند بین شیر و گاو نشانی ساده در بازنمایی قدرتی ابتدایی در پایداری جهان است (Amiet ، ۱۹۸۰ ، ۱۳۲-۱۳۳)

مرکز جام :رزت (گلچه) (تصویر۱۱)

رزت(گلچه) یک نقش مایه تزیینی متداول در خاور نزدیک باستان بود و با الهه اینانا و سیاره ونوس ارتباطی نزدیک دارد.این نقش اولین بار در دوره اوروک پدیدار شد.نقش رزت در مدخل ورودی اصطبل حیوانات همراه با حلقه اینانا آراسته می شد.همچنین تعداد زیادی از آن از دوره آشور میانی در معابد ایشتار(اینانا) دیده شده است.در دوره نو آشوری رزت (گلچه)یک موضوع مرسوم تزیینی بر روی مچ بندها، رداهای سلطنتی و دهان بند اسب ها بود.(Black and A.Green,1992,156)،این نقش تزینی پر طرفدار بر روی فلزات و سفال دوره اولیه و معاصر ایران به وفور دیده می شود .(Muscarella,1977,361)

تفسیر مرکز جام ،رزت:

رزت نقش شده روی جام ارجان به عنوان یک عنصر تزیینی که مرکز جام را آراسته، مورد بررسی قرار می گیرد. این نقش مایه لزوما به نمایندگی الهه ایشتار نقش نشده ،بلکه می توان آن را به عنوان تکمیل کننده پنج ردیف قبلی به شمار آورد.

نتیجه

حکاکی های روی جام ارجان روایت هایی را آشکار می سازد که محور آن ها فرد بلند پایه (پادشاه) است .

۱- تقویم آشوری ها از پاییز آغاز می شود و این رسم تا هزاره اول تا پذیرفتن تقویم بابلی ها برقرار بود.

www.SID.ir

Archive of SID

و حوادث روی جام در سه منطقه کاملا جدا از هم روی می دهد که عبارتند از نواحی کوهستانی ،پیرامون شهر و درون شهر .این سه ناحیه مکان نگاری یک سرزمین و ویژگی های کیفی ان را بیان می کند. می توان به طور اختصار این پنج ردیف را این گونه توضیح داد:

ردیف پنجم :در آغاز و در لبه جام ،محلی نا آشنا در یک ناحیه کوهستانی.

ردیف چهارم : پیرامون شهر .

ردیف سوم و دوم : خراجگذاران سلطنتی و داخل شهر .

ردیف اول: شیر و گاو در چرخه ابدیت حرکت می کنند و شاید بتوان آنرا نشانی برای آغاز بهاربه حساب آورد و در مرکز جام در بالاترین نقطه به قلمروی خدایان می رسیم ،به مبداو منشا همه آن چیز هایی که ثابت و جاودان هستند. تزیینات ایدئولوژی جام ارجان که درپنج ردیف تصویر شده برای درک مقاصد آرمانی از تصاویر واقعی و ملموس بهره گرفته است(Wiggerman,1996,207-231). نداشتن محدوده مشخص در تعریف این فضا به عنوان محیطی دوستانه ، کنترل پذیر،منظم و یا خصمانه، بیگانه، غیر قابل کنترل و نامنظم را مشکل می سازد و شناختی از محیط به دست می دهد که گوهر و ماهیت آن را با کمک آیین ها به نمایش می گذارد. تغییر شکل این جهانی برای درک معانی و به نمایش گذاشتن تفکر سلطنتی ترسیم پیکر شاه که یا بر روی تخت نشسته و یا بر روی ارابه در حال حرکت است، در نقش واسطه ای بین انسان ها و خدایان که نتیجه آن فقدان هرج و مرج ، دشمنان خارجی ،حیوانات وحشی ، بیماری، بی حاصلی و وجود برکت و محافظت خدایان اززمینی که شاه در آن فرمانروایی می کند نمایان می سازد.

جام ارجان نه تنها باورها را نشان می دهد بلکه نوعی تبلیغات و تجلیل از نقش اساسی و مرکزی شاه است.ابعاد غیر متعارف جام این نظر را تقویت می کند که این شیء بر خلاف نمونه های مشابه فنیقی، فقط برای استفاده شخصی و همچنین مصارف کاربردی ساخته نشده است.می توان گفت به دلیل هدفی که از ساخت جام متصور بوده یعنی تصویر کردن یک چرخه کامل روایی بر روی آن ؛ اندازه ای کوچکتر برای جام ممکن نبوده است. جام ارجان تصویر فضایل حماسی و کردار یک حکومت است که مشروعیت آن توسط خدایان تایید شده بنابر این شاید هدف اصلی این تصاویر کارکردی یادبودی داشته باشد .

منابع و ماخذ

۱-مجیدزاده، یوسف، جام ارجان ،مجله باستان شناسی و تاریخ ،شماره پیاپی۹و۸ ،اسفند ۱۳۶۷.

۲- ر.وطن دوست، مرمت و حفاظت و مطالعه فنی تعدادی از اشیا فلزی گنجینه ارجان،اثر شماره ۱۵و۱۶، ۱۳۵۷.

ALIZADEH, A. A Tomb of the Neo-Elamite Period at Arjan, Near Behbahan,1985 .

AMIET, P. Tiares Elamites. Studi Micenei ed Egeo-Anatolici XXX. 1992.

BEESTON, A.F.L. The Ritual Hunt, a Study in Old South Arabian Religious Practice,» Le Muséon 1972.

BLACK, J. and GREEN, A.Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia (University of Texas Press),1992.

CURTIS, J. E. and READE, J. E.Art and Empire. Metropolitan Museum of Art, 1996.

DURHAM, S. The Monkey in the Middle. ZA, band 1985.

CURTIS, J. E. Later Mesopotamia and Iran: Tribes and Empires 1600-639 B.C. British Museum Press' 1995.

GUNTER, A. Representation of Urartian and Western Iranian Fortress Architecture in the Assyrian Reliefs. Iran XX, 1982.

www.SID.ir

Archive of SID

FRYE, R. N. Gestures of Deference to Royalty in Ancient Iran. Iranica Antiqua, 1972 .
GREEN, A. Mischwesen, Reallexikon der Assyriologie ,1994 .
HOLE, F., FLANERY, K. V. and NEELY, J.A. Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain. Ann Arbor, Michigan, 1969.
HOROWITZ, W. A Babylonian Map of the World. Iraq ,1988.
LION, B. La Circulation des Animaux Exotiques au Proche-Orient Antique. In La Circulation des biens, des personnes, et des idees dans le Proche Orient ancient. Rencontre Assyriologique Internationale. ERC, 1992.
KILMER, A. D. Music and Dance in Ancient Western Asia. Visual and Performing Arts. CANE vol. III. ,1985.
KAPTAN, D. The Great King's Audience. Fremde Zeiten. Edtrs. E. Blakolmer, K.R. Krierer, and various. Wien: Phobos Verlag, Wien, 1966.
LION, B. La Circulation des Animaux Exotiques au Proche-Orient Antique. In La Circulation des biens, des personnes, et des idees dans le Proche Orient ancient. Rencontre Assyriologique Internationale. ERC, 1992.
LIPINSKI, E. Dieux et Deesses de l'Univers Phenicien et Punique. Orientalia Lovaniensia Analecta 64, 1995.
MAJIDZADEH, Y. The Arjan Bowl. Iran 30, pp. 131-144, 1990.
MARKOE, G. Phoenician Bronze and Silver Bowls from Cyprus and the Mediterranean. University of California Press, 1985.
MACDONALD, M.C.A. North Arabia in the First Millennium BCE," CANE II, pp.1355-1369, 1995.
POTTS, D. T. Watercraft of the Lower Sea. Beitrage zur Kulturgeschichte Vorderasiens. 1995.
MUSCARELLA, O. The Archaeological Evidence for Relations Between Greece and Iran in the First Millennium B.C. JANES 9, 1977.
-READE, J. E. The Neo-Assyrian Court and Army: Evidence from the Sculptures. Iraq XXXIV/2, 1972.
ROOT, M. The King and Kingship in Achaemenid Art. Leiden: Brill., 1979.
ROCHBERG, F. Babylonian Horoscopes. American Philosophical Society vol. 1, 1998.
ROCHBERG, F. Astronomy and Calendars in Ancient Mesopotamia. CANE, 1990.
TOUNY, A.D. and WENIG, S. Sport in Ancient Egypt. Leipzig: Edition Leipzig., 1969.
WIGGERMAN, W. Scenes from the Shadow Side. In Mesopotamian Poetic Language, 1996. Sumerian and Akkadian. Editors Vogelzang, W. and Vanstiphout, H. Groningen: Styx publication.
VALLAT, F. Kindin-Hutran a l'epoque Neo-Elamite. Akkadica , 1984.
Alvarez-mon،javeir ,"cosmological &ideological aspects of the Arjan bowl,www.cais.com., 2003.

www.SID.ir

Archive of SID

معراج حضرت پیامبراکرم(ص)،
رنگ روغن پشت شیشه،۱۹×۲۴
سانتی‌متر، بدون رقم، بدون تاریخ،
مجموعه‌خصوصی

www.SID.ir